



آقای باد

● سمیره بروانیا

هوهو صدای باد است
باد آمد و صدا کرد
با خنده گفت: «گرگم»
دنبال برگ‌ها کرد

آن برگ‌ها دویدند
قایم شدند جایی
آقای باد هم گشت
دنبال ردپایی

آمد صدای خش خش
آقای باد خندید
چون جای برگ‌ها را
خیلی سریع فهمید

بخاری داغ

● سمیه بابایی

بخاری با تو هستم
که در کنج اتاقی
بین! این نی نی ما
نمی‌داند که داغی

اگر سمت تو آمد
بگو یک دفعه چیزی
صدایی دریاور
بفهمد داغ و چیزی



● تصویرگر: فریبا اصلی





یک قطره باران

● اکرم السادات هاشمی‌پور

هوای کوچه سرده
باز داره بارون میاد
همین الان یه قطره
رو صورت من افتاد

دست داداش جونم رو
می گیرم و می خندم
دکمه‌ی ژاکتش رو
که وا شده می بندم

داداش پرستار من



● محبوبه ممصام شریعت

انگشت من با میز
دیشب تصادف کرد
یک ذره زخمی شد
جیغی زدم از درد
داداش خوبم زود
با چسب زخم آمد
آن چسب را آرام
او روی زخم زد
بهتر شدم چون که
او شد پرستارم
شادم از اینکه یک
داداش گل دارم

